

مسیونر های بدون صلیب

زهره وفایی

مذهب علیرغم اینکه يك ایده شخصی و يك اعتقاد دروني است معهذا در طول تاريخ به جهاتي مختلف و به مقصدي واحد ؛ تبديل به جرياناتي گردیده است که خود باعث و باني جريان هاي مضاعف و قابل تامل شده است اين جريان آفريني بويژه در ميان مذاهبي که مريداني نه چندان متحد و معلوم را دارا هستند ؛ به کرات اتفاق افتاده است از سويي ديگر سياست پيشگان دائمي براي جريان آفريني به هر مسئله و هر مورد ؛ به ديد يك ابزار قابل تبديل و استفاده نگريسته اند و در اين راستا از مذهب نيز غافل نبوده اند به غير از چند مذهب فراگير جهاني (مسيح – اسلام – هند و) بقيه مذاهب و مريدان انگشت شمار آنان ؛ همواره در راستاي ابزار مندي اين سياست پيشگان بوده و هستند مناطقي از جهان پهناور که مورد معامله و طمع دائمي اين سياست پيشگان و استعمارگران هستند ؛ در کنار صد ها ترفند و حيله ؛ مذهب را نيز بعنوان عامل تفرقه و جدال و دست اندازي ؛ همواره با خود حمل مي نمايند چنانکه تنوع مذاهب و فرق امروزه در آسياي ميانه به پاي تنوع مذاهب و فرق هندوستاني در قرن هفده (در زمان استعمار بریتانیا) رسيده است و اين در واقع يك آمادگي کامل براي پروسه هاي طولاني استعمار است

در کنار بهره جستن از مذاهب و مريدان اين مذاهب ؛ سياستمداران استعمار پيشه مضافا با تکیه بر آمار و نيز قابليت هاي انعطافي اين مريدان ؛ مانور هايي را بر پا مي دارند و صحنه سياست را چنان واژگون مي نمايند که عوام و حتي خواص نيز از تشخيص واقعي پست پرده باز مي مانند براي مثال زدن به اين سياه باز يهاي استعماري حداقل منطقه آسياي ميانه و قفقاز مملو از چنين تمثيل هايي است که متاسفانه بيشترين درصد هلاکت هارا هم ملل ساکن اين مناطق تجربه نموده اند

دول اروپايي در اوایل قرن هفدهم ؛ زماني که هم پيمان و هم گام با يکديگر قسم ياد نمودند تا اروپا و آسياي ميانه و قفقاز و آسياي دور را حتي ؛ از وجود مسلمانان ترك زبان خالي نمايند ؛ علاوه بر مقصد شوم کشور گشايي و افزودن بر مستعمره هايشان ؛ مقصد شوم تري نيز داشتند و آن آفریدن خلاء عطيمي از هويت و اعتقاد در ميان مردمان کثير اين مناطق بود سياستمداران اروپايي براي نيل به اين هدف ابتدا توان هاي خود را سنجيدند از نظر رزمي و فردي اصلا قابل قياس با امپراطوري هاي موجود در منطقه نبودند پس ابزاري کم خرج تر و پر سود تر را انتخاب نمودند ؛ فرقه هاي پراکنده مذهبي!

ار آنجا که اروپائيان بعد از جنگ هاي صليبي خواه نا خواه خود را مريد مسيح مي خواندند و مسلمانان را دشمن د پرين و ابدي مي ناميدند ؛ در ميان اين فرقه هاي پراکنده نيز بايد آنهايي را انتخاب مي کردند که حداقل در ظاهر امر تشابهات و مشترکاتي با آنان داشته باشد نستوري ها – اسوري ها – نصراني ها – ارمنه – تاتار و چرکس و از زمره اين انتخاب بودند ارمنه که ساليان سال از سوي همين اروپائيان رانده و کشته ميشدند به يك باره عزيز گرديدند (نخستين مهاجران ارمني در قرن 11 ميلادي در سيليسي يك پادشاهي کوچک تشکيل دادند که توسط پادشاه وقت فرانسه – لئون ششم – منقرض گرديد و تا 6 قرن بعد ارمنه نتوانستند حکومتي بر پا کنند) آنها ؛ ارمنه ؛ امروز مي توانستند بعنوان ابزاري قابل ترميم و تعميم براي اين سياست مداران به کار گرفته شوند و از آنجا که ارمنه همواره بعنوان مريدان يك مذهب شناخته ميشدند و فاقد قوميت و هويت خاصي بودند (ارمنه ايراني – ارمنه عثماني – ارمنه روسي – ارمنه هند ...) بايستي که توسط ليبر هاي مذهبي و فرقه اي اداره گردند و داشتن ليبر هاي سياسي و نظامي و براي آنها معنايي ديگر پيدا ميکرد فلذا استعمارگران دست بدامن مسيوني هاي شدند که به جاي صليب ؛ خنجر به کمر مي بستند و به جاي خواندن مردم به سوي انسان دوستي و خدا پرستي ؛ آنان را به قتل و کشتار و جهان اندوزي فرا مي خواندند!

آنچه که مسيوني هاي مذهبي در قسطنطنيه به جاي رساندند واقعا چنان شرم آور است که حتي خود ارمنه نيز اين قسنت را از تاريخ حذف نموده اند (گيوم دوم در سال 1898 طي نطقی خود را دوست 300 ميليون مسلمان اعلام و به جبران مافات قول احداث خط آهن بغداد را ميدهد) و آنچه که براي ما همانند خوابي وحشتناک و تعبير يافته هنوز در تکرار است ؛ حضور اين مسيوني هاي مامور در منطقه بود که باعث و باني چنان فجاييع و قتل هايي گرديدند که خود ارمنه نيز بر آنان گريستند ! (چند نفر از روساي اسوري ها نزد پاتريک مارشيمون رفته گفته اند ما طرفدار مظلوم هستيم حال مي گوييم مسلمان ها مظلوم هستند و مظلوميت آن ها از حد گذشته هرگاه به فوريت از اين حادثات شرم آور جلوگیری نشود و خون ناحق يك صد هزار نفوس محترمه اورمي پايمال گردد ؛ ما نيز به قواي آنان مي پيوند يم..... 22 رمضان 1336) آنچه که اعمال اين مسيوني رها را چند ش اورتر و خائنانه تر مي نمايند ؛ سوء استفاده آنها از لباس مقدس روحانيت ؛ سوء استفاده از مکان مقدس کليسا ها ؛ و سوء استفاده از ساير مقدساتي است که روزي هزاران کس به آن عشق مي ورزيدند و معتقد بودند ؛ اما امروزه...

امروزه صفحات پنهاني تاريخ نيز گشوده شده و ماموريت آنان در آفریدن چنين فجاييعي بر همگان آشکار گردیده است اينک به نکاتي تنها از تاريخ اوروميه مي پردازيم ؛ چرا که بيان تمام ماجرا در وسع يك مقاله ؛ يك کتاب ؛ يك گروه محقق ؛ ... نيست

اوژن اوین ؛ سفیر فرانسه در ایران در سال 1906 ؛ جمعیت ارومی را 30 هزار نفر - نستوری هارا 3000 نفر و ارمنه را 6000 نفر شمارش و اعلام میدارد

مسیونر پروتستان آمریکا در سال 1834 میلادی در ارومیه بر پا گردید و این اولین حضور آمریکا در ایران بود

مسیونر کاتولیک های فرانسه معروف به لازارها در سال 1839 میلادی در ارومی تشکیل شد

مسیونر کلیسای انگلستان در سال 1831 میلادی در این شهر تاسیس یافت

مسیونر لوتری های آلمان در سال 1833 میلادی در ارومیه تشکیل شد

مسیونر کلیسای ارتدوکس روسیه در سال 1843 در ارومیه تشکیل شد

هدف اصلی و اولیه این هیئت ها و عظ و تبلیغ در میان پیروان کلیساهای کهن شرق - نستوری ها و ارمنی ها - بود و به راه راست در آوردن آنان و در درجه ثانوی تبلیغ و فعالیت در میان پاره ای از دیگر اقلیت های مستعد منطقه همچون کردها

بنجامین لابیاری مسیونر آمریکایی در مارس 1904 بدست کردها به قتل رسید

فرمان کلیسای ارتدکس : تمام مسلمانان تحویل نصارا خواهند شد ؛ املاک آنها مصادره و به کسانی واگذار خواهد شد که به قوای روس ملحق شوند

در سال 1915 چهل هزار نفر از آسوری های حکاری - معروف به جلو ها - به خاک آذربایجان وارد شده و در سلماس و ارومیه جای گرفتند رهبر آنان کشیش مارشیمون بنیامین بود

بخش اصلی تلاش کلیسای انگلستان بر امکان بسیج و تسلیح گرجی ها و ارمنه به منظور جایگزینی قوای روسیه در ارومیه متمرکز گردید و بدین ترتیب جبهه شمالغرب ایران اهمیت فوق العاده ای یافت

در سال 1916 میان مارشیمون و ژنرال یودینیچ روسی توافقی برای تشکیل دو ستون نظامی مسیحی صورت گرفت

مسیونر آقا پطروس آسوری نیروی سوار گشتی و اکتشافی در ارومیه تشکیل داد

کمیته مرکزی کمک به مسیحیان که مرکز آن در تفلیس بود به ریاست بازیل نیکسین در ارومیه تشکیل شد

مسیونر ویلیام شد ؛ سرپرست هیئت مذهبی پرسبابتترین آمریکا ؛ در سال 1918 به سمت کنسول ایالات متحده در ارومیه منصوب شد

هنری پاکارد معاون ویلیام شد ریاست نیروی انتظامی آسوری هارا در ارومیه عهده دار بود

در سال 1917 مسونر کاژول فرانسوی با یک هیئت پزشکی وارد ارومیه شد و در 1918 امر ساماندهی قوای مسیحی را به کمک مسیونر لیوتنان گاسفیلد عهده دار شد این هیئت پزشکی - مذهبی دارای چهار گردان پیاده - دو واحد سوار - دو آتشبار توپخانه بودند!!

مسیونر میچر گریسی انگلیسی در سال 1917 به آسوری ها وعدهء خود مختاری داد و بیست هزار فرانک فرانسه را نیز دریافت کرد

مسیونر بارون آرداشز (عضو کمیته دانشناک) فرمان داد تا ارمنه از ارومیه خارج شوند و سپس کشتار فجیع محله های هزاران - یورت شاه - عسگر خان را صورت داد

نام برخی روستاهای ارومی که در سایه قشون کشی این مسیونر ها قتل عام و با خاک یکسان شده اند : آده تالان - آده - آغا قالا - ارده شاهی - اسلاملو - الفیان - الیاس آباد - انهر - اوصالو - ایله زیه - بابارود - باری - باشلامیشلو - بالانج - بالو - بند - بنی - بهنق - پنی - تیکمه داش - نمر - چیلوچیان - چاربخش - حاجی پیرلو - حبش - حصار - خانقاه - دویمه - دیک آلا - دیلمه قان - ساعاتلی - سنکان - سیلاب - صداقلو - غلمانسرای - قاسملو - قارا حسنلو - قارالار - قیزیل عاشیق - قالا جوق - قولونجو - قهرمانلو - کلدانلو - کلک لو - کلوان - کمچی - ممد شاه - ممگول - میاق - میر شکارلی - نالوان - نایبین - نیولو - وندر

نام مسیونرهای مذهبی - سیاسی حاضر در ارومیه در سالهای 1906-1917 میلادی: آرداشز - آرمناک - آقا پطروس - آندرانیک - ارسنیس - آرمناق - استپانیانس - اسحاق نصرانی - الونیه - آلیس - باستیان - بروت آقا - بوداگیانس - بوداقیانس - بیچ - پاگارد - پطروس - تاسک - تراکایف - ترگور - جرماک - حکیم سلیمان - خل - مارونیه (خلیفه بزرگ) - دنسحا - رافائیل - سورن - سونتاق - شامات - شد - شمعون یهود - شمویل خان - شمویل - قاراپط - قوژه ل - گریگور - گلاریس - گورگیز - لباری - مارشیمون - مرگور - الکسان - مناسر یانسن - مناسکان - کورو - داوود (میرزاد مسیحی) - نویان - وارطان - ورترز - هراند - هرتوش - هرطون - یونان - یهود (یهودی)

همانگونه که ذکر گردید میزان حضور و فجایع؛ خارج از توان این مقوله مختصر است و جادارد علاقمندان به تاریخ واقعی منطقه؛ آثار نوشته شده را به دقت مطالعه و سپس مقایسه نمایند تا معلوم گردد که در دو قرن اخیر؛ استعمارگران زورگو و در برابر آنان حاکمان و سلطانان بی خبر؛ چگونه نسلی را از دم تیغ بی خبری و جهالت خویش گذرانده اند و عجیب است که انتظار برود که تمامی!! این فجایع فراموش شده و ذکر از آن در هیچ جایی نگردد

اگر امروز پس از سالیانی می شنویم که چند جوان ارمنی یا حتی یک پیرمرد هفتاد ساله در سانفرانسیسکو دست به ترورهای فردی... زده و دبیلمت های ترک را از پای در می آورد باید ببینیم که اعمال اینان و اکثشی است به آدم کشی های پنهان اعمال جنایتکار «حکومت و سلطنت عثمانی.....» اسماعیل رائین - ارمنستان 1915

زهره وفایی - تبریز



<http://www.kitablar.com>
<http://www.kitablar.org/>